

زن ۲۸ ساله ای در دومین زایمان خود چهار فرزند «دختر» به دنیا آورد

24 بهمن 1401

زن جوانی که در دومین بارداری خود چهارقلو به دنیا آورده است، گفت: از تولد ۴قلوها خوشحال هستم اما نگرانی من بخاطر آینده آنهاست؛ چرا که وضعیت مالی خوبی نداریم.

این زن جوان که سمیه قجقی نام دارد و ساکن روستای کملر از توابع شهرستان مرزی گمیشان واقع در استان گلستان است پیش از این مادر پسری ۵ساله به نام محمدامین بود. او مدتی قبل برای دومین مرتبه باردار شد اما فکرش را هم نمی‌کرد که این بار قرار است ۴قلو به دنیا بیاورد.

زمانی که ۲ماه و نیم از بارداری او گذشته بود متوجه شد که ۴قلو باردار است و از آن روز بود که زندگی برایش شکل دیگری گرفت. ماه‌های بارداری این زن یکی پس از دیگری و توأم با نگرانی گذشت. او ۲دغدغه مهم داشت. یکی سلامتی فرزندانش و دیگری تامین هزینه‌های نگهداری آنها.

به هر زحمتی که بود دوره بارداری گذشت تا اینکه او چند روز قبل در بیمارستان شهید صیاد شیرازی ۴قلوهایش را که همگی دختر هستند به دنیا آورد. پدر و مادر ۴قلوها برای آنها اسامی: اسماء، اسراء، سلما و حسنا را انتخاب کردند. ۳قل حدود یک کیلو و ۷۰۰گرم وزن دارند و چهارمین قل نیز یک کیلو و ۲۰۰گرم است و آنطور که پزشکان اعلام کرده‌اند همگی وضعیت مطلوبی دارند.

خدا را شکر بچه‌ها سالم هستند

مادر ۲۸ساله ۴قلوها درباره زایمان شگفت‌انگیزش می‌گوید: خدا را شکر می‌کنم که بچه‌هایم به سلامتی به دنیا آمدند و هر ۴ فرزندم سالم هستند. آنها در هفته ۳۲ [بارداری](#) به دنیا آمدند و یکی از بچه‌ها در بخش ان‌آی‌سی‌یو (مراقبت‌های ویژه نوزادان) بستری است و ۳دختر دیگر در بخش اطفال بستری هستند و به لطف خدا وضعیت خوبی دارند.

او در ادامه می‌گوید: از تولد ۴قلوها خوشحال هستم اما نگرانی من بخاطر آینده آنهاست؛ چرا که وضعیت مالی خوبی نداریم. شوهرم که یک وانت داشت در ماه‌های گذشته مجبور شد برای تامین هزینه‌های پزشکی بچه‌ها وانتش را بفروشد و حالا بدون وانت بیکار شده است.

امیدوارم شرمنده بچه‌هایم نشوم

در همین حال عبدالخالق، پدر ۴قلوها که ۳۱سال دارد نیز می‌گوید: من قبلا در کار خرید و فروش ضایعات بودم اما حالا چون وسیله کار ندارم بیکار شده‌ام. او ادامه می‌دهد: من قبلا یک وانت داشتم که

با آن کار خرید و فروش ضایعات انجام می‌دادم اما وقتی همسرم ۴ قلو باردار شد، هزینه‌های زندگی مان بالا رفت و بخاطر سلامتی بچه‌ها مجبور شدم که وانت را بفروشم و پولش را هزینه بچه‌ها کنم. ما در روستا زندگی می‌کنیم و چون ۴ قلوها شرایط حساسی داشتند باید بارها به دکتر مراجعه می‌کردیم و همسرم سونوگرافی می‌شد و آزمایش‌های زیادی روی بچه‌ها انجام می‌شد. از طرفی باید داروهای خاصی برای‌شان تهیه می‌کردم و همه این مسائل باعث شد تا مجبور شوم وانت را بفروشم و خرج بچه‌ها کنم.

او می‌گوید: وقتی همسرم حدود ۲ ماه و نیم از بارداری‌اش می‌گذشت فهمیدیم که ۴ قلو در راه داریم. هر دو خوشحال شدیم و باورمان نمی‌شد که قرار است به یک خانواده ۷ نفری تبدیل شویم. هر دو خدا را شکر و دعا کردیم که بچه‌های مان سالم به دنیا بیایند. راستش اما از همان موقع دلشوره به جانم افتاد و با خودم گفتم مبادا به‌خاطر مشکلات مالی شرمنده زن و بچه‌هایم شوم. به‌خاطر همین وانت را فروختم تا هیچ کم و کسری برای بچه‌هایم نگذارم.

پدر ۴ قلوها در ادامه می‌گوید: مرحله بارداری همسرم به لطف خدا با خوبی و خوشی گذشت و آنها سالم به دنیا آمدند اما از این به بعد نمی‌دانم که باید چه کار کنم. از لحاظ مالی در تنگنا هستم. از این به بعد باید شیر، پوشک، لباس، دارو و خیلی هزینه‌های دیگر که هنوز نمی‌دانم را تامین کنم و در این شرایط اقتصادی بیکار هستم و دستم خالی است. از طرف دیگر خانه ما ۵۰ متر است و من خودم چند سال پیش آن را ساختم و چون دستم خالی بود بدون میلگرد و مصالح خوب آن جا را بنا کردیم و خانه مان چندان محکم نیست و از طرف دیگر برای زندگی ۷ نفر کوچک است.

پدر ۴ قلوها دغدغه مهم دیگری نیز دارد. او که معلول و تحت پوشش بهزیستی است در این باره می‌گوید: چشمان من فقط ۵۰ درصد بینایی دارد و به همین دلیل بهزیستی به من کارت معلولیت داده اما این کارت تا به حال به کارم نیامده و هیچ باری از دوشم برنداشته است. امیدوارم افراد خیری که توانایی دارند به من کمک کنند تا در این وضعیت شرمنده همسرم و بچه‌هایم نشوم.